

تحلیل جامعه‌شناختی آثار سیمین دانشور

بیبا قنبری*

امین دائی‌زاده جلودار**

چکیده

این مقاله به روش تطبیقی به بررسی ویژگی‌های اجتماعی، کنش‌های معنادار فاعلان جمعی، درون‌مایه‌های اجتماعی تکرارشونده، شناخت جایگاه طبقاتی نویسنده و بازتاب آن بر پیرنگ و شخصیت‌های رمان، ارتباط و تناظر میان ساختار ادبی و ساختار اجتماعی در رمان‌های دانشور پرداخته است. دانشور دو نوع زندگی را از دو طبقه‌ی مختلف تجربه کرده است، اما همواره با تحصیل‌کردگان، روشنفکران و بزرگان علم و ادب هم‌نشین بوده است، این تجربه‌های طبقاتی در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیر گذاشته‌اند. زنان آثار او، از هر دو طبقه‌ی اجتماع، «اشراف و محروم» هستند. او شخصیت‌های داستان‌هایش را بیشتر از آدم‌های دور و بر خودش انتخاب کرده است. او در رمان‌های متأخر، شخصیت‌های زن را از میان دانشجویان و دانشگاهیان برگزیده است. سووشون سکوی پرتاب نویسنده برای حرکت در مدار واقع‌گرایی است. دانشور خط عزمیت اندیشه‌ی زری را از فردگرایی تا جامعه‌گرایی و از انقیاد تا عصیان ضد روزگار خود و از زنی احساساتی و منفعل تا مرز زنی منطقی و فعال و از عامیانه اندیشی تا پهنه اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی پیگیری کرده است. در نتیجه عوامل مهمی چون تحولات اجتماعی و انقلاب بیرونی و درونی و ارتباط و تناظر ساختار ادبی و ساختار اجتماعی آفرینش و تحول شخصیت‌های داستان تأثیری به سزا دارد.

کلیدواژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی، ساختار معنادار، فاعل جمعی، ساختار ادبی، ساختار اجتماعی، سیمین دانشور.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، مربی و مدرس دانشگاه فرهنگیان قائمشهر (نویسنده مسئول)
ghanbari_bita@yahoo.com

** دکترای جامعه‌شناسی، مربی و مدرس دانشگاه فرهنگیان،
a_daezadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۸

۱. مقدمه

ادبیات بازآفرینی هنرمندانه‌ی واقعیت‌های جامعه است. ماده‌ی اصلی ادبیات زبان است و زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و مناسبات اجتماعی است. ادبیات، که از زبان و فرهنگ مردم جامعه ساخته می‌شود، پدیده‌ای اجتماعی است و کارکرد آن مبادله‌ی تجربه‌ی زیسته میان انسان‌ها است. بنابراین، رابطه‌ی میان ادبیات و اجتماع، از روزگاران کهن تا روزگار ما، رابطه‌ای متقابل است. به نظر بسیاری از محققان ادبی برای فهم و شناخت آثار ادبی باید اوضاع تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و حتی تفاوت‌های فکری و اخلاقی هر دوره را شناخت تا به درک درستی از اندیشه و اثر یک نویسنده یا شاعر دست یافت. این همان چیزی است که امروزه در نظریه‌های جدید ادبی مطرح است. متن (Text) در بافتی از زمینه یا فرامتن (context) قرار دارد که خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر آن است و یک متن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن زمینه‌ی آن تحلیل کرد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات جامعه‌شناسی در ادبیات، به سبب پیشینه‌ی سنتی آن و توجهی که همواره نسبت به تأثیر و تأثر متقابل ادبیات و اجتماع در ایران وجود داشته است، جایگاه ویژه‌ای در میان سایر انواع مطالعات دارد. به همین دلیل در میان انواع روش‌های بررسی و نقد متون ادبی فارسی، بیش‌تر مورد اقبال و پذیرش جامعه‌ی علمی و دانشگاهی قرار گرفته است.

۲-۱- پرستش، شهرام و قربانی، ساناز (۱۳۹۱)؛ خط سیر موقعیت‌های سیمین دانشور، اولین رمان نویس زن در ادبیات ایران، را با تکیه بر جامعه‌شناسی تولیدکنندگان آثار ادبی پیر بوردیو بررسی نمودند. این روش تکوین ساخت اجتماعی میدان ادبی و شکل‌گیری منش کنش‌گران ادبی را با هم بررسی می‌کند. در این پژوهش نیز منش سیمین دانشور و خط سیر مواضع او در میدان ادبیات با توجه به سه رمان سووشون (۱۳۴۸) جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) و ساریان سرگردان (۱۳۸۰) با استفاده از این روش بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که دانشور با تکیه بر سرمایه‌های ادبی خود در سووشون توانست در قطب مستقل ادبی دهه چهل قرار بگیرد. اما او نتوانست موقعیت بی‌همتای خود را با نوشتن رمان‌های بعدی اش حفظ کند. این تغییر وضعیت هم به منش نویسنده و هم به شرایط میدان ادبی ایران در سال‌های پس از انتشار «سووشون» باز می‌گردد.

۲-۲- عاملی، مریم (۱۳۹۴)؛ در مقاله‌ای با عنوان الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه جامعه‌شناسی با ساختار ادبی-اجتماعی رمان فارسی به تبیین نقد جامعه‌شناختی رمان بر مبنای پیوند میان ساختارهای اجتماعی و ساختار ادبی، قرائتی جامعه‌شناسانه از متن ادبی ارائه می‌دهد. هدف از نگارش این مقاله ارائه الگویی کاربردی از این نقد، متناسب با ویژگی‌های اجتماعی ادبی رمان فارسی است که با در نظر گرفتن اصول پایه‌ای این نظریه و تطابق آن با دوره‌های اجتماعی در رمان فارسی تدوین شده است. کشف ساختارهای معنادار که فاعل جمعی دارند، کشف درون مایه‌های اجتماعی تکرار شونده در رمان فارسی، اهمیت شناخت جایگاه طبقاتی نویسنده و بازتاب آن بر پیرنگ و شخصیت‌های رمان، کشف ارتباط و تناظر میان ساختار ادبی و ساختار اجتماعی رمان، و در نهایت تحلیل و تشریح یافته‌ها و برقراری پیوند میان ساختار اجتماعی و ساختار ادبی ساختار پیشنهادی این مقاله است.

۳. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

مطالعات جامعه‌شناسی رمان اجتماعی ایران در طول سرگذشت خود، این توجه روزافزون به جامعه را که لازمه‌اش تجربه و شناسایی مستمر است نشان می‌دهد. این رمان‌ها از حالت گزارش گونه‌ی وقایع و معرفی سطحی شخصیت‌ها به شناخت ریشه‌ای و تحلیل ژرفانی رسیده‌است. در نظریه‌ی جامعه‌شناسی در ادبیات، رابطه‌ی میان ساختار اجتماعی و ساختار ادبی رابطه‌ای متناظر، نظام‌مند، تعریف شده‌است. جامعه‌شناسی ادبی، که جامعه‌شناسی رمان نیز زیر شاخه‌ی آن محسوب می‌شود، دانشی بین رشته‌ای است که در طول دوره‌ی تدوین خود از نظریات لوکاچ تا گلدمن و لوونتال تا باختین، سعی در تبیین، شناخت، توضیح و تفسیر یک نظام مشخص نظری میان متن و فرامتن دارد. در چهارچوب این نظام است که با تعریف ساختار اجتماعی و ساختار ادبی، رابطه‌ی میان ادبیات و اجتماع تعیین می‌شود. لوکاچ در تاریخ و آگاهی طبقاتی معتقد است که دریافت انضمامی پدیده‌های فردی جز در چهارچوب انسجام فراگیر جمعی ممکن نیست. اثر هنری سازنده‌ی جهانی تخیلی، غیر مفهومی و در عین حال بسیار غنی و به تمامی یک پارچه و یک دست است. بدین ترتیب، ساختار سازنده‌ی وحدت اثر به صورت یکی از عناصر اصلی سرشت زیبایی شناختی آن جلوه می‌کند (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۷). تأکید ویژه‌ی لوکاچ بر ساختار معنادار اثر و حفظ آن ساختار است. از نظر لوکاچ، ساختارهای ذهنی واقعیت‌هایی تجربی‌اند که در جریان فرایند تاریخی به دست گروه‌های اجتماعی و به ویژه طبقات اجتماعی پرورده

شده‌اند. آثار ادبی تنها بازتاب دهنده‌ی آگاهی جمعی نیستند، بلکه سازنده‌ی این ساختارها و بخش جدایی ناپذیرشان هستند (لنار، ۱۳۷۷: ۸۵). پیوند میان ساختارهای ذهنی سازنده‌ی آگاهی جمعی و ساختارهای زیبایی‌شناختی سازنده‌ی اثر هنری امری است که لوکاج به طور کلی و خلاصه به آن پرداخت، اما در نظریات گلدمن بسط و تشریح یافت. لوسین گلدمن مقوله‌ی کلیت را از آثار لوکاج برگرفت و بسط داد. او در پیش‌گفتار اثر مهم خود، خدای پنهان (۱۹۵۵)، خاطر نشان کرد که در تفسیر متن، عناصر فردی نباید تابع مجموعه باشند یا صرفاً از آن منتج شوند، بلکه باید نشان داد که چگونه مجموعه در هر یک از عناصر نمودار می‌شود.

از میان تمام کلیت‌های ممکن که در فرایندهای دریافت و تشریح به هم پیوسته‌اند، دو کلیت برای گلدمن اهمیت ویژه‌ای دارد: «ساختار معنادار» و «جهان‌نگری». ساختار معنادار باید پاسخی به این پرسش باشد که چگونه می‌توان اثر فلسفی یا ادبی را به صورت یک کل یا کلیت منسجم دریافت؟ به نظر گلدمن ساختار معنادار را می‌توان اصل سازنده و عامل تعیین‌کننده‌ی دانست که متن فلسفی یا ادبی را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند (زیمما، ۱۳۷۷: ۱۴۶). مفهوم ساختار معنادار از نظر گلدمن، علاوه بر توصیف وحدت اندامواره‌ی اجزای یک اثر و ارتباط متقابل میان آن‌ها، به معنای ساختار درونی اثر در نحوه‌ی بازتاب جهان بینی در آن به کار می‌رود. یعنی جهان‌نگری فلان طبقه یا گروه اجتماعی چگونه در یک اثر ادبی به عناصر سازنده‌ی جهان‌تخیلی متن تبدیل شده است؟ (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۳). گلدمن در این باره می‌گوید:

اثر هنری دنیایی کامل است که به ارزش‌گزاری، موضع‌گیری، و توصیف می‌پردازد و وجود بعضی از چیزها را تأیید می‌کند، هنگامی که این دنیای کامل را تعبیر و تفسیر کنیم، درمی‌یابیم که نظامی فلسفی پیامد آن است (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۷۰).

به نظر گلدمن، هر اثر ادبی یک نظام مفهومی دربر دارد که می‌توان آن را به روشنی و به نحوی هم‌خوان با ساختار معنادار اثر معین کرد. این نظام بیان خود را در ساختار معنادار اثر می‌یابد. که بنا به اصطلاح رولان بارت ساختاری از مدلول‌هاست. این نظام دو کارکرد دارد: از سوئی وحدت اثر را می‌سازد و از سوی دیگر جهان‌نگری، یعنی آگاهی یک گروه اجتماعی را بیان می‌کند. اثر ادبی آفریده‌ی فردی نویسنده نیست، بلکه آگاهی جمعی، منافع، و ارزش‌های اجتماعی گروه یا طبقه را نشان می‌دهد (زیمما، ۱۳۷۷: ۱۴۷-۱۴۶). به تعبیر گلدمن جهان‌نگری داده‌ای تجربی نیست و به دنیای تجربه‌های روزمره تعلق ندارد، بلکه در یک

اثر هنری عظیم، آگاهی گروه اجتماعی به نحوی ساختار می‌یابد که نوعی یعنی کلیت معناداری از ارزش‌ها و هنجارها را پدیدار می‌سازد که نشان دهنده‌ی «جهان‌نگری» آگاهی تجربی و واقعی اعضای یک گروه نیست، بلکه آگاهی آرمانی و بیشینه‌ی آگاهی ممکن آن گروه را بیان می‌کند. ممکن بودن این آگاهی بدان سبب است که در اثر به حالت نهفته یافت می‌شود و جامعه‌شناس ادبیات آن را تحلیل و بازسازی می‌کند (پیشین: ۱۴۷).

بنابراین، می‌توان گفت بازآفرینی واقعیت در آثار لوکاچ و گلدمن به معنی نوعی آفرینندگی و نه بازآفرینی منفعل است که از دنیای تجربیات روزمره فراتر می‌رود. ادبیات ذات (به تعبیر لوکاچ) یا بیشینه‌ی آگاهی ممکن (آگاهی آرمانی) گروه اجتماعی را (به تعبیر گلدمن) پدیدار می‌سازد. بنابراین نقشی فعال ایفا می‌کند، زیرا به صورت فعالیتی ساختار آفرین در نظر گرفته می‌شود که واقعیت را دگرگون می‌کند و از آن فراتر می‌رود (پیشین: ۱۴۸-۱۴۷).

باختین، به طور خاص، بحث سبک‌شناسی رمان، چندآوایی، و تکثر گونه‌های گفتار در رمان را مطرح کرد. او به تفاوت کاربرد زبان در شعر و نثر پرداخت و به این نکته اشاره کرد که رمان بیش از آن که به سمت ایده‌های هنری یا زیبایی‌شناسی جهت‌گیری داشته باشد، به سمت اشکال اجتماعی تاریخی بیان جهت‌گیری دارد. در حالی که شعر در مرحله‌ی نخست بر دغدغه‌های زیبایی‌شناسی متمرکز است و در مرحله‌ی بعد به دیگر جنبه‌های هستی اجتماعی می‌پردازد. از نظر او ایده‌های پیرامون زبان همیشه سخن‌گویی واحد را در پیش فرض خود دارند. سخن‌گویی که رابط‌های بی‌واسطه با زبان شخصی منفرد و واحد خود دارد. این سخن‌گو می‌گوید: من معنایی منحصر به فرد و یگانه را در گفتارم می‌آفرینم. گفتار من تنها از من صادر می‌شود. این شیوه از اندیشیدن به زبان دو قطب را تشکیل می‌دهد:

۱. زبان به مثابه‌ی نظام و ۲. فردی که آن را به زبان می‌آورد.

این قطب‌ها آن چیزی را تولید می‌کنند که باختین زبان تک‌آوا می‌نامد. زبانی که به نظر می‌رسد منشأ آن منبعی منفرد و یک‌پارچه است و این زبان رسمی و مقتدر همان زبانی است که از دیرباز در شعر به کار رفته است. اما چندآوایی بر این مفهوم استوار است که در یک فرهنگ، تنوعی از زبان‌ها در کار است. چندآوایی را می‌توان هم چون مجموعه‌ای از تمام اشکال گفتار اجتماعی تعریف کرد که مردم در طول زندگی روزمره‌ی خود به کار می‌برند. مثالی از چندآوایی زبان‌های مختلفی است که شخص در مواجهه با استاد خود، در

گفت و گو با دوستان، در گفت و گو با والدین، و ... به کار می‌برد. این منطق گفت و گویی همان است که در رمان استفاده می‌شود (باختین، ۱۳۸۷: ۲۵۳-۳۶۹). باختین بر این باور است که هنگام کاربرد زبان عملاً دو نیرو در حال تأثیرگذاری است: «نیروی مرکزگریز» و «نیروی مرکزگرا». نیروی مرکزگرا می‌خواهد همه چیز را به سمت یک نقطه‌ی کانونی بکشد و نیروی مرکزگریز می‌خواهد همه چیز را از یک نقطه‌ی کانونی در جهات مختلف پخش کند. رمان‌نویس همواره سخن خود را به سوی پاسخ‌های ممکن خوانندگان جهت می‌دهد و سعی می‌کند برای این‌که خوانندگان بتوانند پیام‌های او را متوجه شوند، شیوه‌های بیشتری برای بیان آن بیابد. این تنوع صداها که به الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه‌ی جامعه‌شناسی، با ساختار ادبی اجتماعی رمان فارسی معنای چندآوایی است، مشخصه‌ی بنیادین نویسندگان نثر و نیز رمان به مثابه‌ی یک ژانر است (پیشین، تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

۴. کاربرد نقد جامعه‌شناختی در رمان

چنان‌که ذکر شد در نظریه‌ی جامعه‌شناسی رمان، رابطه‌ی میان ساختار اجتماعی و ساختار ادبی رابطه‌ای نظام مند و تعریف شده است. در چهارچوب این نظام است که رابطه‌ی میان ادبیات و اجتماع تعیین می‌شود. به رغم اقبال به این نظریه، کاستی‌ها و نواقصی در کاربرد این نظریه در نقد رمان‌های فارسی وجود دارد که لزوم پرداختن به بحثی آسیب‌شناسانه را در محافل علمی ناگزیر می‌سازد.

مطالعه‌ی جامعه‌شناسانه‌ی رمان در هر جامعه‌ای، نیازمند شیوه‌ها و تحلیل‌های خاص مبتنی بر شرایط اجتماعی و ادبی همان جامعه است تا به اهداف اصلی این نقد نائل شود. پیروان این نقد همواره به این نکته اشاره کرده‌اند که تحلیل جامعه‌شناختی هنر باید محتاط، ژرف، و گزینشی باشد و یافته‌های هیچ تحقیقی را در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ادبی، بدون جرح و تعدیل و بدون توجه به وضعیت جوامع دیگر نمی‌توان به آن‌ها تعمیم داد. به عبارت دیگر، اگرچه رابطه‌ی تعیین‌کنندگی عام و کلی است، نحوه‌ی شکل‌گیری آن در شرایط اجتماعی مختلف متفاوت است (لوونتال، ۱۳۸۶: ۱۲۲). کم‌توجهی به این موضوع سبب شده که نظریه‌ی جامعه‌شناختی رمان عملاً از مبانی اصلی آن تهی شود و نقدهایی که بر مبنای این نظریه انجام می‌شود به شکل نقد سنتی اجتماعیات در ادبیات درآید. در حالی که می‌بایست اساس و چهارچوب این نظریه در نقد رعایت شود و پیوند میان نظریه و نقد عملی به شکل مطلوبی برقرار شود.

۵. کشف ساختارهای معنادار فاعلان جمعی

ساختارهای معنادار فاعلان جمعی به آگاهی قومی و اجتماعی دوره و نسل نویسنده مربوط‌اند. در نقد جامعه‌شناختی رمان، پیش از هر چیز باید ساختار معناداری از ارتباط میان اثر ادبی و جامعه ترسیم کرد. ساختار معنادار از نظر گلدمن، ارتباط میان ساختار درونی اثر با انعکاس جهان بینی مستتر در آن است. از نظر او، ساختار معنادار به علاوه فاعل جمعی جهان‌نگری یعنی: فلان طبقه یا گروه اجتماعی (یا یک دوره یا یک نسل) چگونگی در یک اثر ادبی به عناصر سازنده‌ی جهان‌تخیلی متن تبدیل شده است (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۳).

بنا به نظر گلدمن، بررسی جامعه‌شناسانه‌ی ادبیات در دو سطح انجام می‌شود که در تبیین روش شناختی باید آن‌ها را به دقت از هم جدا کرد، اما در جریان پژوهش به تمامی در هم می‌آمیزد. این دو سطح عبارتند از «مرحله‌ی تفسیر» دریافت و «مرحله تشریح». در مرحله تفسیر پژوهشگر با گزینش یک الگوی ساختاری معنادار و ساده، که از تعداد محدودی از عناصر و پیوندهای میان این عناصر ساخته شده است، باید بتواند تقریباً تمامیت متن را توضیح دهد و جنبه‌های متعدد اثر را که در چهارچوب این الگو قرار می‌گیرد، نشان دهد. در مرحله‌ی تشریح، باید در نهایت میان الگوی ساختاری، که سازنده‌ی وحدت و معنای اثر است، با گرایش‌های فاعل و آفریننده‌ی اثر رابطه‌ای معنادار و کارکردی برقرار کند. در این مورد اندیشه‌ی کانونی جامعه‌شناسی ادبیات آن است که این رابطه را هرگز نه با یک فرد (نویسنده)، بلکه با یک گروه اجتماعی می‌توان برقرار کرد. در جامعه‌شناسی ادبی تشریح معمولاً در سه سطح انجام می‌شود:

۱. تشریح از رهگذر کل جامعه،

۲. تشریح از رهگذر نسل‌ها، و

۳. تشریح از رهگذر طبقات اجتماعی (گلدمن، ۱۳۷۷: ۷۰-۷۲).

بنابراین، پژوهشگری که قصد دارد ساختار اجتماعی یک اثر ادبی را بررسی کند باید به محدود سازی دست بزند. به این معنا که ابتدا یک دوره‌ی اجتماعی یا یک نسل از داستان نویسان یا یک طبقه‌ی اجتماعی را در نظر بگیرد، سپس ساختارهای اجتماعی و فکری آن نسل و دوره یا طبقه را بیابد (تفسیر) و در مرحله‌ی بعد (تشریح)، بازتاب آن را در اثر ادبی جست و جو کند.

سیمین دانشور (۱۳۰۰/ شیراز - ۱۳۸۶/ تهران) که مجموعه داستان‌های آتش خاموش (۱۳۲۷) و شهری چون بهشت (۱۳۴۰) را در کارنامه‌ی ادبیات داستانی خود دارد، با خلق

رمان سووشون به چهره‌ای شاخص در ادبیات داستانی ایران بدل می‌گردد. سووشون که آن را آغازگر فصلی تازه در تاریخ داستان‌نویسی ایران (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۷۳) می‌داند و همچنین نخستین اثر کامل در نوع رمان فارسی دانسته‌اند (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۷۹). در فضاهایی رئالیستی و با نثری شاعرانه و دقیق، تصویرگر سال‌های جنگ جهانی دوم است. فارس دستخوش تحولات است و قهرمانان اصلی رمان، زری و یوسف، به مقابله با وضع موجود برمی‌خیزند. شخصیت‌های رمان هریک نمایانگر روحیه و عملکرد گروه اجتماعی خاصی هستند و در فواصل رمان به آگاهی و رشد لازمه‌ی خود دست می‌یابند.

۶. نمونه مثالی (Ideal Type) درون‌مایه‌های اجتماعی تکرارشونده در رمان‌های دانشور

با دوره بندی آثار دانشور بر مبنای زمانی یا موضوعی (جنگی، اقلیمی، تاریخی، و...) یا انواع دیگر تقسیم بندی، می‌توان به درون‌مایه‌های تکرارشونده‌ی آثار دانشور پی برد. برای مثال، بر مبنای دوره‌های زمانی خاصی که برای داستان‌های دانشور تعریف کرد، می‌توان زمینه‌ای از این درون‌مایه‌ها در دست داشت و سپس با مطالعه‌ی ژرف‌تر و بررسی نمونه‌های مورد نظر، درون‌مایه‌های اصلی حاکم بر رمان‌های او را تبیین و تشریح کرد. از آن‌جا که جامعه‌شناسی ادبی نوعی بررسی ساختارگرایانه است، ابتدا ساختارهای غالب و تکرارشونده‌ی اجتماعی هر دوره را باید کشف کرد. گفتنی است که استخراج این چهارچوب بر مبنای گرایش غالب هر دوره و نمونه‌های داستان‌های واقع‌گرا و اجتماعی موفق و مشهور آن دوره است. شاخص‌ترین رمان دهه‌ی چهل، سووشون سیمین دانشور است. دانشور به جای رجوع به وقایع دوره‌ی رضاشاه به وقایع پس از شهریور (۱۳۲۰) می‌پردازد. سووشون اولین اثر کامل، در نوع رمان فارسی است. این داستان اگر چه از چشم‌انداز یک زن روایت می‌شود، اما سرگذشت این زن و ماجراهایی که در خانه‌ی او (مام وطن ایران) اتفاق می‌افتد، در سیر روایی داستان به سرگذشت مردم ایران و کشور ایران پیوند می‌خورد.

بعد اجتماعی، تاریخی و سیاسی سووشون آن قدر قوی است که شاید بسیاری از داستان‌های دیگر را که زنان نویسندگی ایرانی در سال‌های بعد می‌نویسند به دنبال خود می‌کشد و این شاید از ویژگی‌های قابل توجه ادبیات (به قلم و قرائت زنانه) در ایران باشد

که از همان آغاز به مسائل سیاسی و اجتماعی به طور ژرفانی پیوند می‌خورد و تا سالیان درازی در همین حال و هوا باقی می‌ماند. از نخستین رمان تا آخرین رمان دانشور، می‌توان درون مایه‌های اجتماعی غالب تکرارشونده در رمان‌های واقع‌گرای دانشور را چنین فهرست کرد:

۱.۶ درون مایه فقر و فساد

منتقدی که با رویکرد نقد جامعه‌شناسی رمان به بررسی و نقد این رمان‌ها می‌پردازد، ظهور طبقه‌ی کارمندان در رمان به دلایل اجتماعی از قبیل جنبش مشروطه، حکومت پارلمانی، ایجاد سازمان‌های اداری جدید، و تحول زندگی سستی از زندگی روستایی به زندگی شهری را باید مورد توجه قرار دهد. نظام اداری در این دوره، نظامی فاسد معرفی می‌گردد که بر مبنای پول و نفوذ افراد در دستگاه اداره می‌شود. ظهور زن عینی و واقعی در رمان این دوره که گرفتار جهل و خرافات خود یا اطرافیانش است، نشانه‌ای از تغییر رویکرد جامعه نسبت به زن در این رمان هاست. تکرار این مضامین در دوره‌ای حدوداً بیست ساله در رمان فارسی، ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها را به منزله‌ی الگوهای تکرار شونده در رمان این دوره الزامی می‌سازد.

نخستین رمان‌های اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ در بستری از انتقاد از اوضاع اجتماعی و تشریح وضعیت نابسامان زندگی خصوصاً در شهرهای بزرگ نگاشته شده است. دانشور هم باتوجه به انسداد و انقیاد سیاسی-اجتماعی، فقر و فساد حاکم بر روزگار خود، دو نوع زندگی را از دو طبقه‌ی مختلف تجربه کرده‌است، اما همواره با تحصیل‌کردگان، روشنفکران و بزرگان علم و ادب مجالست داشته است، این تجربه‌ی-زیسته با اقشار و طبقات گوناگون در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیر گذاشته‌اند، چنان‌که خودش نیز می‌گوید: «من هم ثروت را تجربه کرده‌ام، هم فقر را. می‌دانم اولی به چه سهولتی می‌تواند آدم را فاسد کند و دومی چه وحشت‌زاست. می‌دانم چه آسان فقر سرچشمه‌ی نبوغ را خشک می‌کند» (والاس، ۱۳۸۳: ۶۵). همچنین می‌گوید: «به خاطر علاقه‌ام به فقرا در ایران هرگز کمبود مطلب نداشته‌ام. طبقه‌ی محروم، مردمی عامی، انسان‌های واقعی، همه جا هستند» (مدرسی، ۱۳۷۶: ۶۵). توجه به طبقه‌ی محروم یکی از نصیحت‌های پدر نویسنده است که به او می‌گوید: «در نوشته‌هایت می‌خواهی از کدام طبقه دفاع کنی؟ از طبقه‌ی خودت، [اشراف و ثروتمندان] یا از طبقه‌ی محروم جامعه؟» (خامه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۸).

۲.۶ درون مایهٔ مرامی و عقیدتی

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، پس از سقوط رضاشاه و بازشدن نسبی فضای سیاسی جامعه، نویسندگان واقع‌گرایانه‌تری که موج جدید رمان اجتماعی را منتشر می‌کنند، متأثر از مرام و مسلک‌های اجتماعی این دوره، داستان‌هایی با جهت‌گیری‌های عقیدتی و تمایلات مبارزاتی می‌نویسند. دانشور نیز جلوه‌های تازه‌ای از فقر، باورها، آداب و رسوم، و مکنونات درونی توده‌ی مردم را بازتاب می‌دهد که در رمان‌های دوره‌های بعد، بسط یافته و انعکاسی بارزتر می‌یابد. توجه به باورها و اعتقادات مذهبی توده‌ی مردم، وضعیت و معیشت کارگران، کشاورزان، و مبارزان و رنج‌ها و محرومیت‌های آنان و انتقاد از اربابان، خرده مالکان، و در سطح وسیع‌تر طبقات بالای اجتماعی و حکومتی از مهم‌ترین مضامین تکرار شونده‌ی اجتماعی در آثار دانشور است.

«سیمین» در مقام یکی دیگر از شخصیت‌های داستان‌های سرگردانی، در نقش یک استاد دانشگاه خواهان تساوی حقوق مرد و زن است و ازدواج را عاملی برای رکود زن می‌داند. او می‌خواهد «زن نو» باشد، زنی که «مسأله‌ی زن، کمتر داشته باشد» (دانشور، «از پرنده‌های مهاجر بپرس»، ۱۳۷۶: ۲۶۶). اگر دیگران اسیر بچه‌داری و روزمرگی شده‌اند، او خود خواهان مادرشدن است و می‌گوید: «در اشتیاق مادری می‌سوختم» (دانشور، «به‌کی سلام کنم؟»، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

۳.۶ درون مایهٔ یأس و شکست

مهم‌ترین مضمون اجتماعی داستان‌های از این دست، غلبه‌ی مضمون یأس و شکست بر داستان هاست. شخصیت‌های زن آثار اولیه‌ی سیمین دانشور مانند مجموعه‌ی «آتش خاموش»، «آن شب عروسی»، «شب عیدی»، «گذشته»، «جامعه‌ی ارغوانی»، «عشق پیری»، «شهری چون بهشت» و «سرگذشت کوچه»، اکثر زنانی هستند عامی، فقیر، خرافاتی و گاهی نیز قربانی هوس‌های زودگذر. در این میان تنها «پروین» در «کلاغ کور»، زنی است که مصرانه راه خود را انتخاب کرده و به هنر پناه می‌آورد. زنان داستان‌های «یک زن با مردها» و «صورت‌خانه» هرچند زنانی هستند که آزاد خلق شده‌اند اما در عین آزادی، ولنگار و سر به هوا و بازیچه شده‌اند. همه‌ی زنان سووشون حتی چهره‌های منفی چون «عزت‌الدوله» هر

یک به نوعی وجوه گوناگون ستم‌دیدگی، بی‌پناهی، ناکامی و فداکاری و تحمل زن ایرانی را به نمایش می‌گذارند» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۴۷۶).

«عمه خانم» دیگر زن رمان سووشون، زنی است که شوهر و فرزند ندارد، او همواره جبهه‌گیری یکسان و یکنواخت دارد. مقابل «خان کاکا» از آغاز تا پایان می‌ایستد و حرف خودش را می‌زند... جلوی عزت الدوله کم نمی‌آورد و از حق خود دفاع می‌کند با یوسف موافق است و از مبارزه نمی‌ترسد و با انگلیسی‌ها دشمن است، اما او هم وقتی می‌خواهند «سحر»، اسب خسرو، را ببرند ساکت می‌ماند و تسلیم ترس زنانه‌اش می‌شود.

به طور کلی بیشتر زنان داستان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان کنشگر منفعل، اسیر و قربانی ساختارهای اجتماعی هستند. آن‌ها در فضایی مسموم از خیانت مردهایشان به سر می‌برند، حتی هستی که خود را روشنفکر می‌داند و حتی سیمین با همه‌ی دانایی‌هایش. همه‌ی مردان و حتی زنان داستان با زن نوبی که هستی می‌خواهد باشد مخالفند و اصولاً زن را کنشگر مطیع و رام و تسلیم می‌خواهند. بررسی آثار سیمین دانشور نشان می‌دهد که اکثر شخصیت‌های زنی که او خلق کرده است زنانی مطیع و سلطه‌پذیرند که به علت جهالت و عدم آگاهی جنسیتی و نیز عدم امکانات، توان ایستادگی در مقابل مردان، دفاع از حقوق خود و ساختارشکنی و عصیان در برابر جامعه‌ی مرد محور را ندارند.

۴.۶ درون مایه‌ی خودباوری و بازگشت به خویشتن

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جو بی‌اعتمادی، ناامیدی، و شکست بر روابط اجتماعی حاکم می‌شود. ادبیات نیز در بستر این زمینه‌ی اجتماعی، شکست و جلوه‌های گوناگون‌گریز از واقعیت را بازتاب می‌دهد.

کشمکش شخصیت‌های سووشون اغلب بر بستری از تقابل و مبارزه جویی شکل می‌گیرد. تقابل یوسف با ابوالقاسم خان، یوسف با قشون انگلیس، یوسف با زری در سنین جوانی، زری با خودش و غیره... در این داستان، همه چیز تلخ و اضطراب‌آور است و حوادثی مانند «فقر، ظلم و ستم، استعمار، چپاول، دست‌نشانده‌گی و مرگ یوسف» واقعیت می‌یابند.

از دیدگاه نقد جامعه‌شناسی ادبی، ساختار سووشون کاملاً متأثر از فضایی آکنده از انسداد سیاسی و انقیاد اجتماعی سال‌های حضور استعمار و قحطی در ایران روزگار دانشور است. «شخصیت اصلی زن در رمان سووشون، زری است. شخصیتی که دانشور از این زن خلق

می‌کند، شخصیتی است آگاه‌تر و ذهنیت زنانه‌اش رو به روی ذهنیت مردانه قرار می‌گیرد. زری در سووشون، نه عروسک برساخته‌ی بورژوازی شاه بود و نه زن سنتی. نه زن مبارز بود و نه زن متفکر و اندیشمند. زنی خانه‌نشین بود و منفعل و سایه‌ی شوهر، اما در دهه‌ی چهل که هنوز زنان مبارز دهه‌ی پنجاه قد برنیفراخته بودند می‌توانست برای گروهی الگویی باشد از همراهی و همدلی «دهباشی، ۱۳۸۳: ۶۵۱». شخصیت‌های پویا معمولاً در طول داستان دانشور تحولی پیدا می‌کنند که یکی از تحولات زیر است:

۱. تحول در منش (یک صفت یا خلق در آن‌ها تغییر پیدا می‌کند که ممکن است به سوی خوبی یا بدی باشد).
۲. تحول در سرنوشت (از جوانی به پیری، از سلامت به بیماری، ازدواج، طلاق و...)
۳. تحول در عقاید و باورها (شخصیت در ابتدا به چیزی اعتقاد دارد و در طول داستان این اعتقاد را از دست می‌دهد یا محکم‌تر بر آن پای می‌فشارد).

جریان تحول شخصیت اصلی زن در رمان سووشون دانشور بیشتر ملموس است. در طول حوادث و جدایی دایمی، تحول زری آرام آرام شکل می‌گیرد. زری زنی است محافظه‌کار و سیاست‌گریز و محافظه‌کاری او از نوع زنانه بوده و برای حفظ و دوام خانواده است. زری پس از مرگ شوهرش از حالت انفعالی بیرون می‌آید و دچار تحول می‌شود و به یکباره شجاعت از دست رفته‌ی خود را باز می‌یابد، همه‌ی ترس او از این بود که مبادا یوسف را از دست بدهد و حالا که او را از دست داده است، از چه بترسد. او تصمیم دارد راه یوسف، راه آزادی خواهی را ادامه بدهد و از اینجاست که مقابل «خان کاکا» می‌ایستد، هر طور هست می‌خواهد عزاداری شوهرش برقرار بماند و نیز می‌خواهد خودش زندگی پسرش را سرپرستی کند، به دست او تفنگ بدهد و ترس را زیر پا بگذارد.

۵.۶ درون مایه‌ی تعهد اجتماعی و آرمان‌گرایی

موضوع و نیز درون مایه‌ی رمان سووشون نیز چند وجهی است؛ هم از مسائل زنان سخن می‌گوید و هم از مبارزه‌ی ملی و آزادی خواهانه «سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۹۲». داستان درباره‌ی یوسف خان و زری همسر اوست و در شیراز روی می‌دهد؛ شیراز در سال‌های آغاز جنگ دوم جهانی. زری، همسر یوسف، نیز زنی تحصیل‌کرده است و آرمان‌های اجتماعی دارد ولی با تندرستی‌های شوهرش موافق نیست. در طول مبارزه‌ی شوهرش مدام در هراس به

سر می‌برد و دلش گواهی می‌دهد که او در این نبرد کشته خواهد شد. جدال آرام و پنهانی زری و یوسف داستان را به پیش می‌برد. «هنر نویسندگی در این است که تأثیر مبارزه‌ای را که به هر حال در آن شرایط، خطرآفرین است در متن زندگی خانواده و زن ایرانی نشان می‌دهد» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۱۰۱). یوسف، شوهر زری، علی‌رغم هشدارها و اعلام خطرها در حفظ موضع خود سماجت می‌کند و به تیر ناشناسی کشته می‌شود و زری پس از کشته شدن همسرش متحول می‌شود و درستی اهداف او را تصدیق می‌کند. در سووشون، بیان گزارش گونه‌ی وقایع اجتماعی و شرح آزادانه‌ی آن چه بر توده‌ی مردم رفته بود، مضامین دیگر را تحت تأثیر قرار داد. با توجه به شرایط خاص اجتماعی آن دوره، آرمان‌گرایی، مورد توجه دانشور قرار گرفته است.

۶.۶ درون مایه‌ی بازخوانی گذشته، تنهایی و سرگردانی

سال‌های واپسین زندگی، قلم دانشور از تعهد‌گرایی و آرمان‌گرایی گذشته فاصله می‌گیرد و به درون رجعت می‌کند. به این معنا که رمان او، با دیدی تاریخ‌نگر به بازخوانی و روایت تحولات اجتماعی می‌پردازد رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساریبان سرگردان از او هم روایت‌هایی متفاوت از انقلاب و نیروهای فعال پیش از انقلاب‌اند که نویسنده در آن‌ها به سرگردانی و بی‌پناهی نسل پیش از انقلاب و جریان‌های سیاسی می‌پردازد. توجه به زندگی نسل جدید و تقابل دیدگاه‌های این نسل با نسل پیش، از دیگر مضامین تکرار شونده‌ی اجتماعی در آثار دانشور است.

هستی در جزیره‌ی سرگردانی، گرچه در سیاست نیز دستی دارد و از کار و مبارزه‌ی اجتماعی روی‌گردان نیست اما در هنگامه‌ی آشوب دهه‌ی (۱۳۵۰)، حس زنانگی او را به شوهرگزینی می‌راند. او دو خواستگار دارد: سلیم و مراد که هر دو در مبارزه‌ی اجتماعی شرکت دارند. در این اثر، سرگردانی روحی و فکری هستی بین مکتب‌های فکری و ایسم‌های مختلف و نوسانات عاطفی او بین مراد و سلیم که هر دو عاشقش هستند و هستی هر دو را دوست دارد، به خوبی نشان داده شده است. سلیم طرفدار مبارزه‌ی معتدل و مراد طرفدار مبارزه‌ی مسلحانه است. البته میل هستی بیشتر متوجه مراد است اما سلیم ثروتمند است و برای آینده تکیه‌گاه مطمئن‌تری است. پس هستی با این نگرش، زن سلیم می‌شود. هستی با خود عهد می‌کند «که دیگر آلت دست مراد نشود، مثل همه‌ی زنان روزگار شوهر کند و بچه به دنیا بیاورد» (دانشور «از پرنده‌های مهاجر بپرس»، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

در جلد دوم جزیره‌ی سرگردانی با نام ساریان سرگردان، هستی پس از ازدواج با سلیم رفته‌رفته درمی‌یابد که فاصله‌ی او با سلیم بسیار زیاد است و در کنار او نمی‌تواند به زن نوبی که می‌خواهد برسد. هنگامی که هستی، پس از ازدواج به دلیل فعالیت‌های سیاسی قبل از ازدواج، روانه‌ی زندان می‌شود سلیم او را طلاق می‌دهد و هستی نیز در می‌یابد که نمی‌تواند در کنار او به خوشبختی برسد. حوادثی که در طول بازداشت هستی و تبعیدش به همراه مراد به جزیره‌ی سرگردانی روی می‌دهد در هستی تحول اساسی ایجاد نموده و منجر به ازدواج او با مراد می‌شود.

هستی پس از تجربه‌ی تبعید به جزیره‌ی سرگردانی، به نوعی ایقان و ایمان می‌رسد و نفس مطمئنه‌اش از طریق «طوطک» در رؤیا بر او ظاهر می‌شود، او را از رویدادهای آینده با خبر می‌کند و تحت حمایت و هدایت خود می‌گیرد. تحول در هستی تنها از رهگذر کشف و شهود باطنی و شناخت برتر آسمانی و درونی قابل توجه است. ظاهراً خواننده نیز برای درک بهتر چنین تحولی، چاره‌ای جز دست زدن به یک تجربه‌ی شهودی و عملی ندارد.

«توران جان»، مادر بزرگ هستی، در جزیره‌ی سرگردانی، با تمام شعارهایی که می‌دهد و اشعار «اخوان ثالث» و دیگران را درباره‌ی «دکتر مصدق» می‌خواند، اما زنی است بیشتر در خط گذشته. نویسنده‌ی داستان می‌گوید که او لیسانس گرفته و دبیر شده اما او ظاهراً در خانه می‌نشیند و با سفره و سجاده سر و کار دارد. تنها کارش به جز این‌ها واداشتن «مهرماه خانم» به تلفن زدن به سیمین و عروسش، عشرت است تا آنان را عذاب بدهد. توران جان با گذشته‌اش و با خاطره‌ی قهرمانی پسرش زندگی می‌کند.

عشرت یا همان مامان عشی، مادر هستی، در جزیره‌ی سرگردانی، در ابتدا زنی است شاد و با نشاط. مهربان و خونگرم. نرم رفتار و آداب دان. خوشگذران و اهل عیش و عشرت چون نامش. دلبر و تیز و رماتیک. هوسباز و جسور و ماجراجو. جز آرایشگاه، سونا و بولینگ جای دیگری نمی‌شناسد، هر کس را با سیاست سر و کاری داشته باشد، «خل و چل» می‌داند.

عشرت زنی است که هنوز سالی از مرگ شوهرش نگذشته، با نخستین خواستگارش ازدواج کرده و پس از سال‌ها زندگی مشترک با همسرش، دل به مرد زن دار دیگری می‌بندد و به خاطر او با شوهرش قهر می‌کند، مدتی ناپدید می‌شود. چون شوهرش او را طلاق نمی‌دهد تا با فاسقش ازدواج کند، خشمگین می‌شود و هنگامی که درمی‌یابد فاسق او را تنها برای فسقش می‌خواسته، تصمیم به خودکشی می‌گیرد. اما او زنی است که عاشق

زندگی با همه‌ی ناملایمات آن است. زنی آماده‌ی لغزیدن و گمراه شدن. آماده برای سردرآوردن از عشرتکده‌ها؛ از اینرو به جای خودکشی به یک عشرتکده می‌رود.

۷. شناخت جایگاه طبقاتی نویسنده و بازتاب آن بر پیرنگ و شخصیت‌های رمان

یکی از مهم‌ترین مواردی که در نقد جامعه‌شناختی رمان مورد توجه است ارتباط میان اثر با پایگاه طبقاتی نویسنده است که متأثر از دیدگاه‌های طبقاتی جامعه‌شناسانه است. «طبقه‌ی گروهی وسیع از افراد گفته می‌شود که پایگاه اجتماعی مشابهی دارند، و از آگاهی جمعی برخوردارند، و دارای خرده فرهنگ خاص می‌باشند. هر طبقه‌ای با سطح معینی از قدرت، ثروت، و حشمت مشخص می‌شود (قنادان و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۷۷).

در نقد جامعه‌شناسی ادبی به تأثیر طبقات اجتماعی اهمیت زیادی داده شده است. جامعه‌شناسان بزرگ معتقدند که شخصیت و شیوه‌ی اندیشه و سلوک و سبک هرکس عمدتاً موافق پایگاه طبقاتی او تعیین می‌شود. طبقه شخصیت را می‌سازد و شخصیت جهت و ماهیت فعالیت‌های افراد و از آن جمله سبک هنرمند را مشخص می‌سازد. زیرا آزمایش‌های زندگی هر کس براساس تجربه محیط طبقاتی اوست، از این رو معمولاً باید انتظار داشت که در هر طبقه‌ای سبکی کلی فرمانروایی کند و تا زمانی که آن طبقه تحول اساسی نپذیرد، آن سبک دگرگون نشود. وقتی بنیاد طبقه‌ای دگرگون گردد، مقتضیات و حوائج جدیدی پیش می‌آید، بنابراین، اندیشه‌های نوعی در ذهن اعضای طبقه و از جمله اهل هنر تشکیل می‌شود که بیان آن‌ها با صورت بندی‌های دیرین هنر امکان نمی‌یابد (آریان پور، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

بررسی دیدگاه اثر نسبت به طبقات اجتماعی بخشی از تفکر جمعی را در هر دوره بازتاب می‌دهد. اثر در این زمینه از دیدگاه نظریه‌ی جامعه‌شناسی ادبی دو موضع‌گیری می‌تواند داشته باشد:

۱.۷ دیدگاه اثر نسبت به جایگاه طبقاتی دانشور

پایگاه اجتماعی نویسنده، موقعیت مالی، طبقه‌ی اجتماعی او و آداب و رسوم و شرایط زندگی وی را در بر می‌گیرد و مجموعاً موقعیت یک فرد در هرم اجتماع را تشکیل می‌دهد.

که با توجه به ابعاد شخصیتی وی مثل بعد اقتصادی، بعد سیاسی و بعد منزلتی مشخص می‌شود.

بررسی رویکرد اثر نسبت به جایگاه طبقاتی نویسنده از آن حیث اهمیت دارد که اثر می‌تواند به سبب اشراف نویسنده به مسائل طبقه‌ی خود، تصویری واقعی از این طبقه ترسیم کند و دردها و نیازهای آن‌ها را بازتاب دهد.

سیمین دانشور، به سبب آن که از پایگاه طبقاتی بالا برخوردار است، زوایای برای تطبیق نظریه‌ی جامعه‌شناسی، با ساختار ادبی اجتماعی رمان، زندگی اشراف و طبقات بالای اجتماعی را بهتر ترسیم کرده است.

درباره‌ی خانواده‌ی پدری او آمده است که «همه‌ی قبیله‌ی دکتر محمد علی دانشور عالمان طب بودند... پدر دانشور مردی روشنفکر و اهل مطالعه بوده است... مادر دانشور نیز نقاشی می‌کرد و مدیریت هنرستان‌های زیبا بر عهده داشت. او املاک وسیعی به ارث برد که خالصاً مخلصاً در اختیار همسر و فرزندان قرار داد و فرزندان همگی به مدارج علمی سطح بالا دست یافتند (عزیزی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۰).

پدر دانشور، «چنان کتابخانه‌ی مفصلی در اختیار دختر نوجوانش گذاشته بود که بعدها با فروش آن خرج عروسی سیمین و جلال تأمین می‌شود!» (خامه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۸). سیمین با ازدواج با جلال آل احمد،

در واقع به طبقه‌ی خود پشت پا می‌زند. هر دو ناچارند کار بکنند و چرخ زندگی را بچرخانند. زندگی مختصر و مفیدی دارند ولی خانه‌شان چهار راه ادبیات و هنر و سیاست است. با شاعران و نویسندگان حشر و نشر دارند (آژند، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

بنابراین با توجه به تجربه‌ی زیسته دانشور در دوگونه‌ی طبقه‌ای، این تجربه‌های طبقاتی در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیر گذاشته‌اند.

وقایع «جزیره‌ی سرگردانی» رمان بعدی سیمین دانشور، در دهه‌ی (۱۳۵۰) رخ می‌دهد. مساله‌ی زن و شخصیت او و رابطه‌اش با مرد و جامعه، یکی از مضمون‌های ضمنی داستان است و نه تنها به صراحت در باب حقوق فردی و اجتماعی و استثمار و آزادی او در کتاب بحث می‌شود، بلکه در طی حوادث داستان، برخی از شخصیت‌های زن و بیش از همه شخصیت «هستی» در تقابل و ارتباط با محیط مردانه‌ی جمعی و فردی شکل می‌گیرد.

دانشور خود نیز اقرار می‌کند: «در سووشون دانستم که خانم مسیحادم، الگویی از مادرم است و دکتر عبدالله‌خان نموداری از پدر بزرگم که هرگز ندیدمش» (ریاحی، ۱۳۸۳: ۴۶). اگر شخصیت‌های داستانی آینه‌ای، نه چندان تمام‌نما، از آفرینندگانشان باشد، لطف آن این‌جاست که نویسندگان زن، که در پاره‌ای محدودیت‌های اجتماعی و سنت‌های قدیم دست و پا می‌زنند عرصه‌ی رمان را جایگاه مناسبی برای نشان دادن چهره‌ی واقعی زن قلمداد کنند؛ بنابراین نویسنده‌ی زن، روحیات خود را ملاک پردازش شخصیت‌های داستانی قرار می‌دهد و بیش‌تر از هر چیز از خودش می‌گوید: «نویسنده‌ی خلاق از هیچ شخصیت خاصی عیناً الگو برداری نمی‌کند، بلکه خصوصیات درونی و عاطفی خود را در ساخت و پرداخت شخصیت‌ها به کار می‌گیرد» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۳۹۴).

سیمین دانشور در رمان‌های خود از سووشون به بعد، بیش از هر نویسنده‌ی دیگری اصرار دارد درباره‌ی خود، جلال آل‌احمد و ذهنیت وی بنویسد؛ به یک اعتبار می‌توان گفت سووشون، جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان اشاراتی به زندگی‌نامه‌ی نویسنده است. به گونه‌ای که:

هرکس که سووشون را می‌خواند، از خود می‌پرسد که آیا زری در رمان، خود سیمین و یوسف همان جلال آل‌احمد نیست؟ زری در سووشون بر همه‌ی وقایع رنگی از خویش می‌زند وقایعی که قبل و بعد از مرگ یوسف اتفاق می‌افتد. زری درباره‌ی وقایع اظهار نظر می‌کند. خواننده‌ی امروزی نمی‌تواند بین زری به عنوان شخصیت داستان و سیمین دانشور تفاوت چندانی قائل شود. این مساله با توجه به این‌که ویژگی‌هایی که زری در داستان دارد، با ویژگی‌های دانشور در زندگی شخصی‌اش شباهت دارد، تشدید می‌شود. یوسف، شخصیت اول رمان سووشون، ویژگی‌هایی از شخصیت آل‌احمد را در خود دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: عصبی، سرسخت و سازش‌ناپذیر بودن. حتی آنان از جهت شکل ظاهری نیز بی‌شباهت به یکدیگر نیستند. زری، شخصیت دوم رمان، توگویی خود سیمین است. متنها سیمین خانه‌دار. زری همچون سیمین خواستار دنیایی آرام است و درگیری‌های اجتماعی سیاسی شوهرش او را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. بچه‌های شیرین زری در واقع تجلی آرزوی تحقق نیافته‌ی سیمین برای بچه داشتن است. به گفته‌ی خود سیمین، دکتر عبدالله‌خان، یکی از شخصیت‌های فرعی رمان، دکتر محمد علی‌خان دانشور، پدر اوست (اربابی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

۲.۷ دیدگاه اثر نسبت به جایگاه طبقاتی متفاوت با جایگاه طبقاتی دانشور

شناخت دیدگاه اثر نسبت به طبقات دیگر تعامل طبقاتی را شکل می‌بخشد و چگونگی درک و برداشت جمعی از طبقات مختلف اجتماعی را در اثر محقق می‌سازد. نکته‌ای که قابلیت آن را دارد که به شکل جدی در رمان فارسی بررسی شود آن است که نویسندگانی که پایگاه طبقاتی آنان متعلق به طبقات بالای اجتماعی است و نویسندگانی که از طبقات محروم اجتماعی برخاسته‌اند، هر دو گروه، با دیدگاهی یکسان و انتقادی به طبقه اشراف تاخته‌اند و آنان را فاسد، چپاولگر، و اغلب بی‌تعهد و بی‌اخلاق دانسته‌اند و عموماً طبقات محروم اجتماع، با دیدگاهی حمایت‌گرا، مورد دفاع نویسنده قرار گرفته‌اند.

شخصیت‌های زنی که دانشور در آثار اولیه‌ی خود مانند مجموعه‌ی «به کی سلام کنم؟» و «شهری چون بهشت» انتخاب کرده است یا از طبقه‌ی مرفه و یا فرودست هستند؛ مثلاً در شهری چون بهشت به طبقات محروم و پایین اجتماع بیشتر پرداخته‌است و در رمان‌هایی که در دوره‌های بعدی خلق کرده، شخصیت‌ها را از میان دانشجویان و قشر دانشگاهی برگزیده‌است مانند هستی و سیمین در رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان.

۸. کشف ارتباط و تناظر میان ساختار ادبی و ساختار اجتماعی رمان‌های دانشور

بررسی ارتباط متقابل میان ساختار ادبی و ساختار اجتماعی داستان، از دیگر مواردی است که توجه به آن در نقد جامعه‌شناختی رمان ضرورت دارد. برای ملموس شدن این بحث و کاربرد عملی آن در آثار دانشور، به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

- آیا دانشور موفق به خلق شخصیت‌هایی شده که تصویری واقعی در اجتماع داشته باشند؟

آیا میان درون مایه اجتماعی اثر و شخصیت پردازی و پیرنگ داستان (درون مایه هنری) پیوند و هم‌خوانی وجود دارد؟ آیا میان کلیت اثر و کلیت اوضاع اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن تکوین یافته است هماهنگی وجود دارد؟

تنوع آوایی و تنوع دیدگاه‌ها تا چه میزان در رمان لحاظ شده است و آیا دانشور موفق شده است لحن و زبان شخصیت‌های داستان را به گونه‌ای واقع‌گرایانه به تصویر کشد؟ چندآوایی زمانی در رمان محقق می‌شود که نویسنده بتواند به هریک از شخصیت‌های داستان اجازه دهد لحن و زبان و عقاید خود را داشته باشند و دیدگاه‌های خود را از زبان

آن‌ها در رمان تبلیغ نکنند، زیرا رمان نویس، بر خلاف شاعر، که به وحدت زبانی می‌اندیشد، باید در اثر خود به استقبال دگر مفهومی و تنوع‌های زبانی موجود در زبان ادبی و غیرادبی رود و نه تنها آن‌ها را تضعیف نکند، بلکه تقویتشان هم بکند. ویژگی شاخص گونه‌ی رمان آن است که تنوع صداها و مفهومی‌های مختلف به آن قدم می‌گذارند و خود را به شکل یک نظام هنری سازمان یافته در می‌آورند (باختین، ۱۳۸۷: ۳۹۱).

بنابراین، دانشور در آثار خود مسائل اجتماعی را بازتاب داده است. رمان‌های او مانند جامعه صداها، گوناگون را در خود دارد و این مساله هم از حیث نحوه‌ی پرداخت مسائل اجتماعی و هم از حیث شخصیت پردازی واقع‌گرایانه و هنری در رمان بررسی شده است. وقایع «جزیره‌ی سرگردانی» رمان بعدی سیمین دانشور، در دهه‌ی (۱۳۵۰) رخ می‌دهد. مساله‌ی زن و شخصیت او و رابطه‌اش با مرد و جامعه، یکی از مضمون‌های ضمنی داستان است و نه تنها به صراحت در باب حقوق فردی و اجتماعی و استثمار و آزادی او در کتاب بحث می‌شود، بلکه در طی حوادث داستان، برخی از شخصیت‌های زن و بیش از همه شخصیت «هستی» در تقابل و ارتباط با محیط مردانه‌ی جمعی و فردی شکل می‌گیرد. در جزیره‌ی سرگردانی، دانشور خواسته است که از دید یک زن به فرآیند تاریخ و زندگی بنگرد، در این رمان حیرانی زن از دنیای مردانه توصیف می‌شود، چنانچه می‌خوانیم:

مادر بزرگ گوش می‌ایستاد، مامان عشی و حالا هستی، از دوران مرد سالاری بیشتر زنان گوش ایستاده‌اند، دروغ گفته‌اند، تحمل کرده‌اند، چرا که راهی به جمع مردان نداشته‌اند. زن‌ها از ترس مردها دروغ گفته‌اند و می‌گویند ... (دانشور، پرنده‌های مهاجر پیرس، ۱۳۷۶: ۳۲)

در جزیره‌ی سرگردانی دانشور، استاد هستی نوریان به وی می‌آموزد: «به کمک خط و رنگ هم می‌توان برای تغییر وضع موجود مبارزه کرد، همان‌طور که با کلام و آوا هم می‌شود». (پیشین: ۳۲).

در جزیره‌ی سرگردانی شخصیت‌ها در کشمکش دائم با خود و دنیای اطرافشان هستند و می‌خواهند خود را ارزیابی کنند تا هویت خود را کشف کنند. حتی در دید خام و سطحی شخصیتی چون «عشرت»، مادر هستی نیز سایه‌ای از کشمکش برای درک جدیدی از خود در ارتباط با موضوع تساوی زن و مرد موجود است. اما هر یک از این شخصیت‌ها این رابطه‌ی برابرگونه را به نوعی مطابق با شرایط فرهنگی و طبقاتی‌شان ارزیابی می‌کنند.

در ساریان سرگردان، هستی در کارگاه نقاشی خود با کشیدن تصویر و طرح از روستا و روستاییان احساس هویت می‌کند:

مریم عذرا نبود و جبریل هم بر او فرود نیامده بود که خودش کودکی داشته باشد؛ این کمبود را با کشیدن نقش کودک دیگران جبران می‌کرد: ای کودک من قلم مو و رنگ! ای همه کس و کار من! (دانشور، به‌کی‌سلام کنیم؟، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

در همین اثر اشاراتی هست که نشان می‌دهد نویسنده به خواننده پیشنهاد می‌کند باید با نگاهی تازه به سراغ قوانین رفت و در برخی از آنها باید تجدید نظر کرد. وقتی به مناسبت از فروش خانه و پرداخت ارثیه به «شاهین» سخن می‌رود، هستی از این که پسر دو برابر دریافت می‌کند، اظهار ناخشنودی می‌کند: «باید خانه را بفروشیم و سهم تو را طبق وصیت مادربزرگ... آنچه خدا و رسول گفته... اما چرا باید ارث پسر دو برابر سهم دختر باشد؟» (پیشین: ۲۵۴).

۹. تحلیل و تشریح یافته‌ها و ایجاد پیوند میان ساختار اجتماعی و ساختار ادبی در آثار دانشور

مرحله‌ی آخر در نقد جامعه‌شناختی اثر، که مرحله‌ی تشریح و تحلیل یافته‌هاست، مرحله‌ای است که منتقد باید با تکیه بر موارد پیشین، میان ساختار اجتماعی و ساختار ادبی پیوند برقرار کند. این پیوند از نظر لوکاج پیوندی دیالکتیکی و دوجانبه است. ساختارهای مقوله‌ای معنادار پدیده‌هایی اجتماعی‌اند که در هم پیوندی کامل با اثر ادبی، تجربه‌های خاص گروه‌های اجتماعی را بیان می‌کنند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۳۴۱-۳۴۳). این ساختارها به شکل ناآگاهانه در هر اثری وجود دارند و کشف، استخراج، و طبقه‌بندی آن‌ها کار اصلی منتقد جامعه‌شناسی ادبی است. بنابراین، پژوهشگر باید این ساختارهای مقوله‌ای معنادار را تبیین و دسته‌بندی کند.

عوامل ذهنی و عینی گوناگونی در روزگار دانشور راه را برای پیدایش و گسترش داستان نویسی زنان هموارتر کرد. برخی از این عوامل عبارتند از: فراهم شدن شرایط تحصیل برای زنان قشر متوسط جامعه، فراهم آمدن امکانات فنی چاپ کتاب و مطبوعات که گسترش آثار نوشته شده‌ی داخلی و خارجی را امکان‌پذیر کرد، ارائه‌ی افکار نوین آموزشی از سوی ایرانیان و اروپاییان، افزایش تعداد مترجمان، پدید آمدن نشریات زنان،

رشد آگاهی زنان و فردیت و هویت یافتن زنان همزمان با رشد طبقه‌ی متوسط و ورود زنان به عرصه‌های فعالیت‌های فرهنگی، مضایق و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در نمایان ساختن تجربه‌های عاطفی و درونی خود و نقش درمانی نوشتن به عنوان مرهم زخم‌های کهنه و جبران ناتوانی‌ها و محدودیت‌های عملی.

غالباً طرح مشکل هویت و جایگاه زن به راهی برای طرح مساله برای حرکت از وضعیت مساله دار به وضعیت مطلوب تبدیل می‌شود.

بررسی ساختار و ویژگی‌های آثار دانشور و تأثیر آن در خلق شخصیت‌های زن داستان نشان می‌دهد:

- تلاش برای کشف فردیت و هویت زن جای چشمگیری در رمان‌های دانشور دارد. دانشور، در آثار خود به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در یک مرحله‌ی تغییر و تحول اجتماعی پرداخته است.

- دل‌بستگی عمیق به خانه و خانواده در مرکز وقایع بسیاری از داستان‌های زنان واقع شده است، تم «خانه» در رمان سووشون دانشور نیز همه‌ی کوشش زری مصروف ایمنی از خانه و خانواده است.

- زنان اقشار متوسط و تحصیلکرده در این آثار همواره می‌کوشند حفظ کنند و اصلاح کنند و اگر به اجبار به میدان حوادث پرتاب می‌شوند سازش و مصالحه را بر انقلاب ترجیح می‌دهند و بیشتر به دنبال انقلاب درون هستند.

- در رمان‌های سیمین دانشور مانند آثار بسیاری از زنان نویسنده‌ی معاصر کوشش می‌شود در تقابل میان زن اثیری و زن لکاته تعادلی برقرار شود و زن از این قطب‌گرایی و مطلق بودن آزاد شود و تصویری متعادل و بینابین از زن (نه فرشته و نه شیطان) ارائه گردد.

- شخصیت‌های زن در داستان‌های دانشور به آرامش و سازش و صلح جویی، ترجیح انقلاب درونی بر انقلاب بیرونی گرایش دارند.

۱۰. نتیجه‌گیری

برای تطبیق نظریه‌ی جامعه‌شناسی، با ساختار ادبی اجتماعی آثار دانشور باید تمامی جنبه‌های اجتماعی جامعه‌ی ایرانی (زمینه) زمان نویسنده و بازتاب آن در نظر گرفته شود. توجه به

جایگاه طبقاتی دانشور و انعکاس آن در اثر، به واکاوی دیدگاه آثار نسبت به این موضوع می‌پردازد. کشف تناظر میان شخصیت پردازی و ساختار زبانی و تطبیق آن با ساختار اجتماعی رمان دانشور به پیوند میان ساختار اجتماعی و ادبی می‌انجامد. درنهایت، با تحلیل و تشریح عناصر بکار رفته در این نوشتار، می‌توان به میزان بیش‌تری اطمینان یافت که نقد ما تنها به بیان اجتماعیات در رمان محدود نشده و تأثیر و تأثر متقابل میان اجتماع و آثار دانشور در چهارچوب نظریه برقرار شده است.

۱- بررسی خاستگاه اجتماعی سیمین دانشور و مقایسه‌ی آن با خاستگاه شخصیت‌های زن داستان بیانگر آن است که تجربه‌های طبقاتی دانشور در آثار و شخصیت‌های داستان‌های او تأثیر گذاشته‌اند. زنان آثار او، از هر دو طبقه‌ی اجتماع، «اشراف و محروم» هستند. آنچه مسلم است این است که دانشور شخصیت‌های داستان‌هایش را از هر کدام از طبقات که باشند، بیشتر از آدم‌های دور و بر خودش انتخاب می‌کند. او در رمان‌های متأخر خود، شخصیت‌های زن را از میان دانشجویان و قشر دانشگاهی برگزیده‌است؛ مانند هستی و سیمین در رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان.

با توجه به نظر لوکاچ و گلدمن ساختارهای ذهنی زمان دانشور واقعیت‌هایی تجربی‌اند که در جریان فرایند تاریخی توسط گروه‌های اجتماعی و به ویژه طبقات اجتماعی پرورده شده‌اند. و دانشور در آثار ادبی پیوند میان ساختارهای ذهنی سازنده‌ی آگاهی جمعی و ساختارهای زیبایی‌شناختی سازنده‌ی اثر هنری بازتاب داد.

۲- درون‌مایه‌ی اصلی هر سه رمان دانشور: سووشون، جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان نشان‌دهنده وضعیت زن در عصر مدرن است. سووشون سکوی پرتاب نویسنده برای حرکت در مدار واقع‌گرایی است. اهمیت این رمان به ویژه در این نکته نهفته است که به خواننده کمک می‌کند تا خط عزیمت اندیشه‌ی زری را از فردگرایی تا جامعه‌گرایی و از انقیاد تا عصیان ضد روزگار خود و از زنی احساساتی و منفعل تا مرز زنی منطقی و فعال و از عامیانه اندیشی تا پهنه‌ی اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی پیگیری کند. این بخش موید نظر باختین که به تنوع صداها به معنای چندآوایی در رمان اشاره می‌کند، می‌باشد. دانشور همواره زبان خود را با زبان دیگر (زبان شنونده) هماهنگ می‌کند و از چندآوایی (به کاربرد تنوعی از زبان‌ها) استفاده می‌کند تا وارد گفت و گو با خوانندگان شود. دانشور همواره سخن خود را به سوی پاسخ‌های ممکن خوانندگان جهت می‌دهد و سعی می‌کند برای این که خوانندگان بتوانند پیام‌های او را متوجه شوند، شیوه‌های بیشتری برای بیان آن

بیابد. این الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه‌ی جامعه‌شناسی، با ساختار ادبی اجتماعی رمان فارسی مناسب است.

- همه‌ی زنان سووشون هر یک به نوعی وجوه گوناگون ستم‌دیدگی، بی‌پناهی، ناکامی و فداکاری و تحمل زنان روزگار نویسنده را به نمایش می‌گذارند. این بخش مویید نظر رولان بارت است که اشاره می‌کند که اثر ادبی آفریده فردی نویسنده نیست، بلکه آگاهی جمعی، منافع، و ارزش‌های اجتماعی گروه یا طبقه را نشان می‌دهد.
- هستی در رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و ساریبان سرگردان، نماینده‌ی زنان طبقه‌ی روشنفکر است. او سر آن دارد تا در حیات اجتماعی سهیم و دخیل باشد و خواهان رسیدن به مقام «زن نو» است.
- بی‌گمان عوامل مهمی چون تحولات اجتماعی و انقلاب بیرونی و درونی بر تحول شخصیت‌های داستان تأثیری به سزا دارد. جریان تحول شخصیت اصلی زن در رمان سووشون دانشور بیشتر ملموس است. در طول حوادث و جدایی دایمی، تحول زری آرام آرام شکل می‌گیرد. زری زنی است محافظه‌کار و سیاست‌گریز و محافظه‌کاری او از نوع زنانه بوده و برای حفظ و دوام خانواده است. او پس از کشته شدن همسرش، شجاعت گذشته را دوباره به دست می‌آورد و متحول می‌شود.

کتاب‌نامه

- آریان پور، امیرحسین. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی هنر. تهران: نشر گستره.
- آزندی‌یعقوب. (۱۳۸۳). «خاتون خطه‌ی قسه»، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی»، به کوشش علی دهباشی. تهران: «سخن».
- آل احمد، جلال. (۱۳۵۰). مدیر مدرسه. تهران: نگاه.
- اربابی، عیسی. (۱۳۷۸). «چهار سرو افسانه». (پژوهشی در آثار و زندگی جمالزاده، هدایت، دانشور و افغانی). تهران: «اوحدی». چاپ نخست.
- باختین، میخائیل. (۱۳۸۷). تخیل مکالمه‌ای: جستارهایی درباره‌ی رمان. ترجمه‌ی رؤیا پورآذر. تهران: نی.
- پرستش، شهرام و قربانی، ساناز. (۱۳۹۱). «سرگذشت سیمین دانشور در میدان ادبی ایران». تهران: فصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال چهارم. شماره اول. بهار و تابستان. صص ۵۲-۳۱.
- تودورف، تزوتان. (۱۳۷۷). منطق گفت و گویی میخائیل باختین ترجمه‌ی داریوش کریمی. تهران: مرکز. خامه‌ای، انور. (۱۳۸۳). «نگاهی کوتاه به آثار و زندگی سیمین دانشور»، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی». به کوشش علی دهباشی. تهران: «سخن». چاپ نخست.

- دانشور، سیمین. (۱۳۵۳). «سووشون». تهران: نشر خوارزمی.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). «جزیره سرگردانی». تهران: نشر خوارزمی.
- دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). «به کی سلام کنم؟». تهران: انتشارات «خوارزمی». چاپ پنجم.
- دانشور، سیمین. (۱۳۷۶). «از پرده‌های مهاجر بپرس». تهران: نشر «کانون» با همکاری نشر «نو» دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۳). کالبدشکافی رمان معاصر فارسی تهران: سوره‌ی مهر.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۶۸). «پیدایش رمان فارسی». تهران: انتشارات «نوید شیراز». چاپ نخست.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۳). «گفتگو با سیمین دانشور»، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی». تهران: سخن.
- رامان سلدن، پیترویدوسون. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه‌ی ادبی معاصر ترجمه‌ی عباس مخبر. تهران: طرح نو.
- زیما، پیرو. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی رمان از دیدگاه یانوات، لوکاج، ماشری، گلدمن، و باختین « مترجم محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان.
- ریاحی، لیلی. (۱۳۶۵). «نامه‌ای به مادر بازیافته‌ام سیمین دانشور»، نقل از «نیمه‌ی دیگر» ویژه‌ی سیمین دانشور، شماره‌ی پنجم، زمستان ۱۳۶۵، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی»، به کوشش علی دهباشی، تهران، «سخن».
- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۷). نویسندگان پیشرو ایران تهران: نگاه.
- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۱). نویسندگان پیشرو ایران. تهران: نگاه. چاپ ششم.
- سناپور، حسین. (۱۳۷۹). نیمه‌ی غایب تهران: چشمه.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۸۹). «مکتب‌های ادبی». تهران: انتشارات «کتاب زمان». چاپ شانزدهم.
- عاملی، مریم. (۱۳۹۴). الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه‌ی جامعه‌شناسی با ساختار ادبی اجتماعی رمان فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. فصلنامه ادبیات فارسی معاصر. سال پنجم. شماره اول. بهار.
- عزیزی، محمد حسین. (۱۳۸۳). «پدر سیمین»، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی سرگردانی» (جشن نامه‌ی دکتر سیمین دانشور)، علی دهباشی. تهران: سخن.
- عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۷). نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده. تهران: فرزاد.
- فصیح، اسماعیل. (۱۳۷۶). ثریا در اغما. تهران: البرز.
- قنادان، منصور و دیگران. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی. تهران: آوای نور.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۶). جامعه، فرهنگ و ادبیات، گزیده و ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱). در جامعه، فرهنگ و ادبیات، «کل و اجزا، فصل اول از بخش نخست خدای پنهان» گزیده و ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
- لنار، ژاک. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات. مترجم محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان.

لوونتال، لئو. (۱۳۸۶). رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه‌ی محمدرضا شادرو. تهران: نشر نی.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۶). «داستان و ادبیات». تهران: انتشارات آیه‌ی مهر. چاپ نخست.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). صدسال داستان‌نویسی در ایران. تهران: نشر چشمه.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز. تهران: نشر چشمه.

والاس، استگنر. (۱۳۶۵). «سلامی گرم به سیمین دانشور»، نقل از «نیمه‌ی دیگر» ویژه‌ی سیمین

دانشور، مترجم فرزانه میلانی. شماره‌ی پنجم، زمستان ۱۳۶۵، مندرج در «بر ساحل جزیره‌ی

سرگردانی». علی‌دهباشی. تهران: «سخن».